

# سیرفرهنگ در عهد سلجوقیان

چگونه تمدن، هنر و فرهنگ ایران به یونان، روم شرقی و شمال آفریقا انتشار یافت.  
دوران سلجوقیان گاه شماری مخصوص ایرانی بکار گرفته شد و زبان فارسی زبان رسمی دولت گردید.

دکتر بدیع الله دبیری نژاد  
استادیار دانشگاه اصفهان

بود و نعمت و ثروت چون ماه نوری به کمال داشت و تمامی پذیرفت و مردان کار و جوانان نامدار میان آن جمع با عدت تمام و اسباب نظام فراوان شدند...»<sup>۱</sup>.

پس از سلجوق، فرزندان او یکی بعد از دیگری، مهتران قوم شدند و با کوششها و فعالیت‌های مستمر خود، در توسعه و گسترش حکومت خاندان سلجوق و اشاعه فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی، همگی مردانه نشان دادند. با توجه بآثار و کتب زیادی که درباره حکمرانان آل سلجوق نوشته‌اند معلوم می‌شود که در ایام حکومت‌های گذشته بمانند پادشاهان عراق،

سلاجقه طایفه‌یی هستند از ترکمانان غز و خزر که در ایام شوکت امرای سامانی، در دشتهای نزدیک به حیره آرال یعنی به حیره خوارزم و سواحل شرقی دریای مازندران (خزر) و دره‌های علیای سیحون و جیحون سکونت داشتند و مساکن ایشان بین سرزمینهای مسکونی ترکمانان غز و قریق (خلج) و بلاد اسلامی ماوراءالنهر فاصله بود و آنها به مناسبت نزدیکی به ممالک اسلامی قبول اسلام کرده و گاهی نیز در کشمکشهای امرای سامانی با ملوک خانبه ترکستان بیاری سامانیان برمی‌خاستند و در جهاد با کفار تورانی شرکت می‌جستند و بعات علائق مذهبی و حسن نظر به مبانی و قوانین اسلامی، امرای سامانی بدون رادع و مانع، آنها را در رفعت و آمد به سایر بلاد، آزاد گذاشته بودند چنانکه جد سلجوق یعنی سلجوق بن دقاق (تتآن)<sup>۲</sup>، در اواخر عهد سامانیان با خاندان قبیله خود، از توران بنواحی دیگر خصوصاً به سرزمینهای مسلمان‌نشین کوچ کردند و در ناحیه جند، کنار سیحون و در دره علیای این شط، نزدیک ترکستان مقیم شدند.

۱ - ابتدا آنها را اغز می‌خواندند و کلمه غز بعدها معمول شد و مخفف اغز می‌باشد. سامانیان جمع‌کنیری از این ترکمانان اغز را از محل‌های سکونت اصلیشان کوچ داده و در بلاد شمال ماوراءالنهر ساکن ساختند و از این غزها بودند قبیله‌یی که به نام رئیس خود سلجوق، به طایفه سلجوقی معروف شدند و در جنوب به حیره خوارزم شهرنشینی اختیار کردند و پس از مرگ او به تدریج فرزندان او در قریه نور از قراء شمال شرقی بخارا ساکن گردیدند.

۲ - سلجوق بن دقاق از نژاد طوقشورمیش (به معنی حمله‌کننده) بود پسر گوججوخواجه. (چون رنگ سبز در میان ترکان مقدس می‌باشد معنی کلمه منسوب به سبز باشد) که خرگاه تراش پادشاهان ترک بود، از اوروق (ایل - طایفه) و استخوان قیق (قویوق) و ایشان دودمانی بزرگ بودند. دقاق یا (تقان) به معنی سخت‌کمان است.

۳ - صفحه ۱۰ - سلجوقنامه ظهیرالدین نیشابوری متوفی سال ۵۸۲ - از نشریات کلاله خاور. تهران.

و این « سلجوق مردی بود به حسن سیرت معروف و به یمین نگونامی موصوف و پنج پسر داشت همه سزاوار مهتری و لایق سروری، اسرائیل، میکائیل، موسی، بیغور، یونس و یوسف و هر یک شایسته امیری و درخور مهتری هر روز اتباع و اشیاع ایشان چون تضاعیف بیوت شطرنج در ازدیاد و ارتفاع

خراسان، طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزقویه، دیالمه، غوریه و سلاله‌های دیگر هیچ‌یک بمانند خاندان آل سلجوق، در توسعه و بسط آیین مسلمانی و احیاء و ایجاد انبیه دینی و تاریخی و مساجد و اماکن مذهبی و توسعه اوقاف علاقه‌مند نبوده‌اند.

مؤلف راحة الصدور و آية السرور، درباره عالم‌پروری و ادب‌دوستی و گسترش مبانی و قوانین اسلامی و اخلاقی و اجتماعی خاندان سلجوق چنین می‌نویسد:

« . . . . و برکت پرورش علما و علم‌دوستی و حرمت‌داشت سلاطین آل سلجوق بود که در روی زمین خاصه ممالک عراقین و بلاد خورآسان علما خاستند و کتب فقه تصنیف کردند و اخبار و احادیث جمع کردند و چندان کتب در محکم و متشابه قرآن و تفاسیر و صحیح اخبار با هم آوردند که بیخ دین در دلها راسخ و ثابت گشت چنانکه طمعی ببدینان منقطع شد و طوعاً او کرها فلاسفه و اهل ملل منسوخ و تناسخیان و دهریان بکلی سر بر فرمان شریعت و مفتیان امت محمد نهادند، و جمله اقرار دادند که الطريق کلتها مسدودة، الا طریق محمد و هر بزرگی از علما بتربیت سلطانی سلجوقی منظور جهانیان شد، چنانکه خواجه امام فخرالدین کوفی و خواجه برهان و ابوالفضل گرمانی و خواجه امام حسام بخاری و محمد منصور سرخسی و ناطقی و ناصحی و مسعودی، ویرکات قلم فتوی و قدم تقوی ایشان و نگاه‌داشت رعیت بر راه شریعت مملکت سلاطین آل سلجوق مستقیم شد، و چون پادشاه و زیردست و امیر و وزیر و جمله لشکر در املاک و اقطاعات بوجه شرع و متضای فتوی ائمه دین تصرف می‌کردند بلاد معمور و ولایات مسکون ماند که آثار: مَنْ صاحب العلماء و قَر و مَنْ صاحب السفهاء حتر، هر که با علما مصاحبت کند و قار یابد و هر که با سفها مجالست دارد حقیر شود، و در هر ولایتی امرا بعدل و سیاست پادشاهی مشغول بودند و آنچه موجب دیوان ایشان بود بمساهلت و مسامحت از رعیت حاصل می‌کردند، هم رعیت مرفه می‌بودند و هم امرا می‌آسودند، لشکری مسلمان می‌مُرد و عوان و غماز و بددین در آن دولت بر هیچ کار نبودند، و آنچه از شهری درین وقت بجزور و ظلم حاصل می‌کنند در آن روزگار از اقلیمی برنخاستی، لشکر آن وقت آراسته‌تر و پادشاهان آسوده و با خواسته‌تر بودند . . . . . »

در عهد سلطنت سلطان محمود غزنوی (۳۵۰ - ۴۲۱) و با اجازه او، چند هزار خانواده از سلجوقیان، بمشرق ایران بخصوص خراسان کوچ کردند. طغرل و برادرش بر سلجوقیان و قلمرو حکومت آنان ریاست داشتند و پس از مرگ سلطان محمود، باردیگر، یورش و طغیان کردند و از ناحیه ماوراءالنهر و شرق ایران بجانب مغرب و جنوب ایران تاختند و بسال ۴۵۰ بغداد را تصرف نمودند، چغری در همین ایام درگذشت و پسرش البارسلان از طرف طغرل بیک، حکمران و والی خراسان

گردید و پس از فوت طغرل بسال ۴۵۵ جانشین وی گردید. البارسلان پس از ده سال پادشاهی و حکومت و توسعه قلمرو سلطنت خود، دارفانی را وداع گفت و فرزند رشیدش ملکشاه بسال ۴۶۵ بجای پدر بر تخت سلطنت جلوس کرد.

در عهد حکومت این پادشاه و فرزندانش و خرد و هوشمندی و کیاست وزراء عالی‌قدری بمانند عمیدالملک کندی و وزیر طغرل بیک و خواجه نظام‌الملک وزیر البارسلان و ملکشاه، توسعه شگفت‌آوری یافت و با کاردانی پادشاهان سلجوقی خصوصاً ملکشاه و وزارت وزراء فوق‌الذکر، از ناحیه ترکستان چین تا عدن تحت لژی واحد قرار گرفت و امنیت و رفاه عمومی حاصل گشت.

سلاجقه با سرعتی تمام توانستند قلمرو حکومت و فتوحات و کشور گشایی خود را تا سواحل مدیترانه و سرحدات امپراتوری روم شرقی در آسیای صغیر و حدود تصرفات خلفای فاطمی گسترش دهند و بسال ۴۷۰ حکومتی جهانی و امپراتوری زمان را بوجود آوردند.

از علل مهم و عمده این پیشرفت‌های سریع، وحدت مقاصد سران این حکومت و حاجت شدید ترکمانان، بفتح بلاد پر ثروت و اعتیاد آنان بزندگی سخت در بیابانهای وسیع و قطع مراحل زیاد بدون احساس خستگی و سرعت عمل و جنگجویی و دل‌آوری ترکان غز و نیز سایر قبایل ترک بود که در خدمت سلاجقه درآمد بودند.

این فتوحات و گسترش حکومت سلاجقه و فتح و پیروزیهای آنان تا پایان پادشاهی ملکشاه سلجوقی (۴۶۵ - ۴۸۵) ادامه یافت بالاخص در زمان او پدرش البارسلان (۴۵۵ - ۴۶۵). وزارت خواجه بزرگ نظام‌الملک که با کاردانی و لیاقت و کیاست امور مملکت و وسیع سلجوقی را اداره می‌کرد و سرو سامانی که بوضع حکومت سلجوقی داد موجب گردید تا سلطنت آل سلجوق از وضع آشفته و صورت بیابانگردی و بدویت بیرون آید و دارای تشکیلات منظم و سازمانی مرتب گردد.

وجود این دانشمند سیاسی بقدری در تاریخ این سلسله مهم است که بعضی از محققین ایام اقتدار سلجوقیان را عهد خواجه نظام‌الملک خوانند که مدت زیادی زمام امور مملکت را در دست گرفته و با سیاست بی‌نظیر و بدیلی این کشور پهناور را اداره می‌کرد و ملکشاه با مساعدت و معاضدت خواجه بزرگ، شهرهای مهمی که در آن طرف ارس واقع و متعلق به رومیان بود بگشود. سال بعد البارسلان از جیحون گذشته بطرف جند که قبر سلجوق بن دقاق در آنجا قرار داشت رهسپار گردید. حکمران ناحیه جند از در اطاعت درآمد و در سال ۴۵۸ پادشاه سلجوقی رسماً ملکشاه را ولیعهد خویش کرد و از امرای دولت در این خصوص پیمان گرفت.

در عصر همین پادشاه عدالت گستر و دادگر قلمرو دولت

سلجوق به منتهای وسعت و عظمت خود رسید چه از حد چین تا مدیترانه و از شمال تا حد خوارزم و دشت قبچاق و ماوراء یمن بنام او خطبه می خواندند و امپراتور روم شرقی و امرای عیسوی گرجستان و ابخاز باو خراج و جزیه می دادند و اصفهان در عهد او و خواجه نظام الملک وزیر از مهمترین بلاد دنیا و یکی از آبادترین آنها بود و این پادشاه و وزیر و عمال و اعیان دیگر سلجوقی در این شهر ابنیه تاریخی بزرگی ساخته بودند که هنوز هم آثار يك عده از آنها برجاست. و می توان گفت یکی از بزرگترین و معتددرترین سلسله ای که بعد از اسلام در این کشور و بلکه در مشرق زمین حکمفرمایی کرد و مهمترین ممالک اسلامی را در تحت فرمان يك دولت و حکومت واحد در آورد سلسله سلجوقیان است. پادشاهان این سلسله اگرچه ایرانی نژاد نبودند ولی بعلمت علاقه زیاد و وافر که با این سرزمین نشان می دادند، مرکز اقتدارشان در ایران گردید و بتدریج بخلق و خوی ایرانیان خو گرفتند و بمانند سلاطین بزرگ این کشور در این خطه بهنادر حکمفرمایی کردند و با شروع پادشاهی ملکشاه باردیگر تعادلی دروضع آشفته پیشین مهیا گردید.

ملکشاه پس از جلوس به تخت سلطنت، زمام امور مملکت را در اختیار خواجه نظام الملک قرارداد و بیاس خدمات مهمی که نمود او را ملقب به «اتابک» نمود. در ابتدای سلطنت ملکشاه الگین حکمران ناحیه سمرقند ترمد را تصرف کرد و چون شنید عمش، عمادالدوله قاورد، امیر سلجوقی کرمان با دعای سلطنت برخاسته و عازم ری و بلاد جبل می باشد با شتاب و با سپاهی مجهز خود را به ری رساند و بیاری امرای عرب حله و موصل در نزدیکی همدان با سپاهیان قاورد روبرو شد و پس از جنگی مختصر بر او غلبه کرد و پس از چندی کشته شد. لیکن ملکشاه با آزادی که برای خاندان قاورد قائل بود، کرمان و عمان و سواحل دریا همچنان بارث تا سال ۵۸۳ در خاندان قاورد بود و بنام خاندان سلاجقه کرمان مشهور گردید.

ملکشاه قبل از رسیدن سلطنت، در زمانی که باتفاق پدر در الجزیره ۷ و ارمستان بچنگ و ستیز مشغول بود یکی از امرای ترک خوارزمی خود را با سپاهیان بی شماری بتعرض بلاد شام و فلسطین که تحت امر مستنصر فاطمی بودند فرستاد و ایشان در سال ۴۶۳ به بیت المقدس ناخنند و دمشق را در محاصره گرفتند و با حملات پیگیر ولی بی نتیجه خود به مصر و نواحی دیگر بسال ۴۷۰ ملکشاه برادر خود تنش را که معروف به تاج الدین بود مأمور شام کرد. تاج الدین تنش، ابتدا حلب را محاصره نمود و چون در این تاریخ سپهسالار اردوی فاطمی بشام آمده و دمشق را محاصره کرده بود، تنش بدعوت محصورین بآن شهر حمله ور گردید و مصریان با شنیدن این خبر گریختند و تنش براحتی دمشق را در سال ۴۷۲ تصرف کرد و سلسله سلاجقه شام را رسماً تأسیس نمود.

در سال ۴۷۳، تکش برادر ملکشاه بر بعضی از قطعات خراسان مستولی شد و بنای طغیان و بورش را گذاشت و آشوبی در این نواحی پدید آورد. ملکشاه بجانب او حرکت کرد و تکش مجبور باطاعت گردید ولی بعلمت تجدید خوی طغیان گری خویش باردیگر عاصی و باغی گردید و بالاخره بسال ۴۷۷ ملکشاه او را دستگیر کرد و چشمش را نابینا ساخت. در همین سال سلیمان بن قتلش<sup>۸</sup> را بفرستاد تا انطاکیه را از تصرف فرنگان بیرون آورد. در سال ۴۷۸، سمرقند را محاصره کرد و سلیمان - خان را بگرفت و بر این شهر مسلط شد.

در این سفر، نظام الملک وزیر اجرت ملاحان جیحون بر خراج انطاکیه نوشت و آن سخن مشهورست که جهت فسحت ملک و ضبط آن کرده بود تا بروزگارها بازگویند. و در این سفر ترکان خاتون دختر طمغاچ خان بن بغراخان بن ابراهیم بن نصر بن ایلک خان بن بغراخان الماضی<sup>۹</sup> را بخواست و در بیست و پنجم رجب سال ۴۷۶ در سنجا<sup>۱۰</sup>، سلطان ملکشاه را پسری آمد، سنجر نام کرد.

ملکشاه در سال ۴۷۰ حکومت ولایت قونیه و آق سرا از بلاد آسیای صغیر را که بدست ترکان فتح شده بود به پسر شهابالدوله قتلش بن اسرائیل پسر طغرل اول و چغری یعنی سلیمان واگذاشته بود و این سلیمان در واقع مؤسس شعبه سلاجقه روم است.

سلیمان در سال ۴۷۷ به بندر انطاکیه که از سال ۳۵۸ در تصرف رومیان شرقی قرار داشت حمله برد و آنجا را بنام ملکشاه فتح کرد و قلمرو دولت سلجوقی را از جانب مغرب بکنار دریای مدیترانه رساند.

ملکشاه دوسال بعد یعنی بسال ۴۷۹ از اصفهان عازم

۴ - راحة الصدور و آية السرور، کتابیست در تاریخ آل سلجوق تألیف محمد بن علی بن سلیمان الراوندی در سنه ۵۹۹ هجری. به تصحیح محمد اقبال و با تصحیحات لازم توسط آقای مجتبی مینوی. دیماه ۱۳۳۳ - صفحه ۲۹ - ۳۰.

۵ - تاریخ ادبیات ایران - جلد دوم صفحه ده تألیف دکتر ذبیح الله صفا.

۶ - در صفحات بعد بدانها اشاره مختصری خواهد شد.

۷ - این ناحیه در مغرب ایران و شمال عراق امروزی قرار دارد.

۸ - بضم اول و دوم و چهارم و سکون سوم بمعنای (خلاص شده)

و بضم اول و دوم و سکون لام بمعنای (تقدیس شده) می باشد. حاشیه

۶ صفحه ۳۴ تاریخ گزیده تألیف حمدالله مستوفی بکوشش دکتر

عبدالحسین نوائی.

۹ - بغرا کلمه ایست ترکی و بوغرا هم گفته شده، باشی که از

خمیر که بشکل رشته های دراز در آورند اطلاق می شود. فرهنگ معین.

۱۰ - سنجا Senjâr، بخش کوهستانی شمال شرقی سوریه که

سکنه آن کردان یزیدی هستند، نهر خابور آنرا مشروب می سازد و آن

جزوی از دیار ربیعه بود. فرهنگ اعلام معین.

الجزیره و شام شد و از راه موصل به بلاد دره علیای فرات رفت و پس از تصرف بعضی از قلاع آن نواحی که مدت‌های زیاد در تصرف رومیان بود بجانب حلب حرکت کرد و این شهر را بتصرف درآورد و برای اولین بار به بغداد آمد و در سال ۴۸۰ دختر خود را بخلیفه عباسی یعنی المقتدی داد.<sup>۱۱</sup>

یکی دیگر از فتوحات مشهور و جالب توجه ملک‌شاه، فتح ماوراءالنهر میباشد که بسال ۴۸۲ هجری اتفاق افتاد. در همین سال عده‌ی از ساکنین و روحانیون آن نواحی از اعمال حکمران سمرقند یعنی «احمدخان بن خضرشاک» برادرزاده شمس‌الملک که جوانی ستم پیشه و متعددی بود به ملک‌شاه شکایت بردند و ویرا بتصرف آن بلاد تشویق کردند. ملک‌شاه با خواجه نظام‌الملک از اصفهان به خراسان آمد و پس از جمع کثیری سپاهی بماوراءالنهر حمله برد و در اندک مدتی بخارا و سمرقند را بتصرف درآورد. پس از فتح آن نواحی و سپردن سمرقند را بیکی از گماشتگان خویش، ملک‌شاه نسبت به احمدخان تعدی نمود و او را به اصفهان فرستاد و حکمران ناحیه کاشغر سراطعات و فرمانبرداری فرود آورد و خطبه را بنام ملک‌شاه کرد.

در مراجعت ملک‌شاه به خراسان، ترکان جنگی که در خدمت ملک‌شاه میزیستند و در سمرقند مانده بودند بعلت عدم دریافت وظیفه و مقرری خود، طغیان کردند. ملک‌شاه با شتاب از خراسان به ماوراءالنهر آمد و شورشیان و امیرخانی فرغانه را که با ایشان همصدا شده بود بدستیاری وزیر و زوجه خود، ترکان خاتون که دختر طمغاج‌خان و عمه احمدخان، خاقان سمرقند بود یعنی تاج‌الدین شیرازی مطیع ساخت و به اصفهان برگشت.

از اواخر سلطنت ملک‌شاه اختلاف میان او و نظام‌الملک و ترکان خاتون با وزیر با تدبیر آغاز شد. این اختلاف بین سلطان و وزیر، بر سر قدرت و تسلط نظام‌الملک بر قلمرو پادشاهی او در گرفته بود، ولی اختلاف ترکان خاتون با خواجه درباره جانشینی ملک‌شاه بود که اندیشه و رأی وزیر بر جانشینی برکیارق قرار گرفته بود ولی ترکان خاتون برخلاف رأی خواجه اصرار و ابرام داشت تا محمود فرزند کوچکش را به جانشینی همسر خود اختیار کند و بهمین علت و بروز اختلافات دیگر، خواجه از کار برکنار گردید و وزیر دیگری بنام تاج‌الملک ابوالغنائم قمی، امور مملکت را درست گرفت. این امر در حالیکه، فتح بزرگ و موفقیتی نسبتاً عظیم برای طرفداران سلطنت محمود بشمار میرفت از طرفی برای شیعیان که نظام‌الملک از دشمنان و مخالفان سرسخت آنان بود با روی کار آمدن تاج‌الملک پیروزی مهمی بشمار میرفت.

تا اینکه خواجه بسال ۴۸۵ در راه بغداد نزدیک نهاوند بوسیله یکی از فدائیان فرقه اسماعیلیه و فدائی حسن صباح فرزند علی بن محمد حمیری رئیس این بنام ابوظاهر کشته شد.<sup>۱۲</sup>

از جمله آثاریکه درباره سلاجقه خصوصاً ملک‌شاه سلجوقی بحث کرده است کتاب طبقات ناصری<sup>۱۳</sup> است که لشکرکشی ملک‌شاه را به مصر چنین مورد بحث قرار داده است:

« و در منتخب تاریخ ناصری که یکی از اکابر حضرت غزنین کرده است در نظر آمد: که وقتی از اوقات سلطان ملک‌شاه، نظام‌الملک وزیر خود را گفت: که استعداد لشکر کن! که عزیمت مصر مصمم است، نظام‌الملک بوجه عرضه داشت گفت: پادشاه را درین عزیمت تأمل شافی باید کرد که در آن سرزمین جماعت قرامطه و بددینان باشند، و از خیانت اعتقادات ایشان بسمع پادشاه سنی رسد، بنده روانمیدارد، که آن شناخت بر خاطر اعلی گذرد. سلطان ملک‌شاه فرمود: که با استعداد آن سفر مشغول باید شد که فسخ آن عزیمت امکان ندارد، نظام‌الملک استعداد تمام مهیا گردانید سلطان با لشکر گران بدان طرف خرامید، چون بتزویک مصر رسید، اهل مصر شرط خدمت استقبال بجای آورد. سلطان به هیچکس التفات نفرمود و نظر نکرد تا بدر شهر مصر رسید، بمعبصر مصر و شط نیل چون عبره کرد پرسید: که قصر فرعون کدام است؟ چون معلوم شد، روی بدان طرف نهاد لشکر را فرمان داد تا همانجا توقف کنند. سلطان ملک‌شاه تنها با یک رکابدار بدان موضع رفت، و از اسب پیاده شد و بدان موضع که تختگاه فرعون بود، دورکت نماز گزارد، پس روی بخواک نهاد و مناجات کرد که خداوندا! بنده‌ی را ملک مصر دادی، دعوی انا ربکم الاعلی کرد برین موضع، این بنده ضعیف را ممالک شرق و غرب کرامت کرده‌ی، آمده است و روی برخاک نهاده میگوید: سبحان ربی الاعلی، سزد از کرم و فضل، که برین بنده رحمت کنی! و سر از سجده برداشت و مراجعت فرمود، و در شهر مصر رفت و بخراسان باز آمد. »

\*\*\*

پس از قتل خواجه نظام‌الملک<sup>۱۴</sup>، دولت سلجوقی روز بروز تضعیف گردید تا اینکه قدرت و شوکت و عظمت این سلسله با مرگ سلطان سلجوقی بی پایان رسید.<sup>۱۵</sup>

امیر معزی شاعر دربار ملک‌شاه سلجوقی در رثاء این سلطان بزرگ گوید:

شغل دولت بی خطر شد کار ملت با خطر  
تا تهی شد دولت و ملت ز شاه دادگر

مشکل است اندازه این حادثه در شرق و غرب  
هایل است آوازه این واقعه در بحرویر

مردمان گفتند شوریده است شوال ای عجب  
بود ازین معنی دل معنی شناسان را خبر

رفت در یک مه بفر دوس برین دستور پیر  
شاه برنا از پس او رفت در ماه دگر

کرد ناگه قهر یزدان عجز سلطان آشکار

قهر یزدانی بین و عجز سلطان درنگر  
ای دریغا این چنین شاه و وزیر این چنین

چون رفتند از جهان ناگاه با آن زیب و قتر<sup>۱۶</sup>  
پس از مرگ ملکشاه، تجزیه دولت سلجوقی آغاز شد و بعد

از فوت سلطان سنجر (۵۵۲) اختلاف بین شاهزادگان سلجوقی  
شدیدتر گردید و در نتیجه مملکت و قلمرو حکومت سلجوقی  
در هم ریخت و اقتدار آنان از بین رفت و حکومت آنها بصورت

ملوک الطوائفی درآمد و سلاجقه کرمان (۴۴۲ - ۵۸۲) بوسیله  
قاورد، برادر البارسلان و سلاجقه عراق (۵۱۱ - ۵۹۱) توسط

فرزندان سلطان محمد که مرکزشان، ری و همدان بود تأسیس  
گردید و سپس سلاجقه سوریه (۴۸۷ - ۵۱۱) و سلاجقه روم

(۴۷۱ - ۷۰۰) در آسیای صغیر بوجود آمدند و بدنبال تشکیل  
سلاجقه فوق، حکومت‌های دیگر مانند: غزنویان، ملوک

ماوراءالنهر یا آل افراسیاب (۳۸۰ - ۶۰۳) معروف به سلسله  
خانیه، غوریان (ملوک جبال) (۵۴۴ - ۶۰۲) در ناحیه

کوهستانی وسیعی مابین هرات و غزنه، خوارزمشاهیان (۴۹۰ -  
۶۲۸) که از طرف سلجوقیان در ناحیه خوارزم حکومت می‌کردند

و اتابکان آذربایجان (۵۵۲ - ۶۲۲) و بالاخره اتابکان فارس  
(۵۴۳ - ۶۴۴) تشکیل گردید.

در عصر سلاجقه، زبان و ادبیات فارسی پیشرفت و توسعه  
خاصی یافت و در عراق و آذربایجان گویندگانی بظهور رسیدند

که زبان فارسی را رواج و رونق دادند.  
بطور کلی ظهور سلاجقه در تاریخ ایران و خصوصاً در

آسیای غربی و نواحی وابسته بآن، از بزرگترین و مهمترین  
وقایع تاریخی و در واقع آغاز دوره جدیدی در عصره کشور ما

شمار می‌رود. سلجوقیان در ایران توانستند، در اندک زمانی،  
وحدت سیاسی را تأسیس و ایرانیان را که در تحت لویای

حکومت‌های متفرق و پراکنده و جانشینان خلفای بغداد بسر-  
می‌بردند در تحت یک اداره مستقل در آورند و استقلال فکری

و حیاتی را برای آنان فراهم سازند.  
در عصر سلاطین غزنوی، کوششها و فعالیت‌های بی‌نتیجه

و بی‌ثمریکه برای حفظ و رسمیت زبان پارسی بعمل آمده بود،  
در دوره آل سلجوق، توانست، اصالت و اگشته خود را باز یابد

و زبان پارسی، زبان عمومی و رسمی در قلمرو دولت سلاجقه  
گردد. چنانکه میدانیم در همین دوره درخشان، حتی تقویم

و گاه شماری را با سامی ماههای ایرانی بجای تقویم و ماههای  
عرب بکار بردند. و مؤلف طبقات ناصری درباره این موضوع

چنین آورده است:  
«... و از آثار آن پادشاه (ملکشاه) در جهان بسیار

خیر و فضل باقیست، یکی از آنست که، استقامت علم نجوم  
بدولت او تازه شد، و آن چنان بود که بسبب کبیسه ماههای

قمری (مقصود ماههای عرب است) تفاوت بسیار در رصد ظاهر  
شده بود، و حسابها غلط افتاده و احکام اصحاب تقویات منحرف

گشته. سلطان ملکشاه فرمان داد: تا استادان علم نجوم و محاسبان  
کامل رصد تازه بستند، و ایام شهر را بقرار باز آوردند و روز

اول از ربیع که نخست دقیقه حمل باشد، نوروز جلالی بلقب  
این پادشاه معین شد، و نظام الملك طوسی<sup>۱۷</sup> که در جهان آثار

۱۱ - راجع به نزوت ملکشاه آورده‌اند که وی بهنگام ازدواج

دخترش با المقتدی، خلیفه عباسی، جهیزه دختر را بر ۱۳۰ شتر مزین  
بدیباى رومی قرار دادند و محصول اکثر بارها طلا و نقره بود. هفتاد

و چهار قاطر مزین بانواع دیبا با زنگ و قلاتد طلا و نقره حامل بارهای  
دیگر بودند و بر روی شش قاطر دیگر دوازده صندوق از نقره بود محتوی

جوهر گرانبها و زیورهای که قیمت آن بصواب نیاید. بر روی سی ستور  
مراکب طلا بوده مرصع با انواع جوهر و... صفحه ۱۹۴ حاشیه یک  
تاریخ کامل ایران تألیف دکتر عبدالله رازی.

۱۲ - در نزدیکی همدان و کرمانشاهان در صحنه یا حدود نهادند یا

بروجرد، در تاریخ دهم رمضان سال ۴۸۵ بسن ۷۵ یا ۷۷ سالگی اتفاق  
افتاد. رجوع کنید به حواشی آخر جلد سوم جهانگشای جوینی بقلم

علامه فقید محمد قزوینی. نقش نظام الملك را اصحاب او باصفهان بردند  
و در محله گران در موضعی که جوی آب بزرگ در میان آن مقام می‌رود

بغایت تزه و خوش، دفن کردند و آن مقام را اهل اصفهان «تربت نظام»  
گویند. تجارب السلف صفحه ۲۸۰ - ۲۸۱.

۱۳ - طبقات ناصری یکی از مهمترین و معروفترین کتب تاریخی

زبان پارسی است، که تقریباً هفت قرن پیش از این (۶۵۸) به قلم یکی  
از دانشمندان خبیر خراسان قاضی منهاج سراج جورجانی در دهلی نوشته

شد. مؤلف دانشمند این کتاب یکی از نویسندگان معروف و زبردست  
زبان پارسی است، که کتابش از حیث سلاست و روانی انشاء بی‌نظیر

بوده است. مؤلف این کتاب از رجال معروف عصر است، که بدربار  
سلاطین غور و آل شنسب مشهور بود. این کتاب با تصحیح و مقابله

و تحشیه و تعلیق عبدالحی حبیبی قندهاری از طرف انجمن تاریخ  
افغانستان نشر شد.

۱۴ - در حقیقت میتوان قتل‌خواجه را تحریکی از جانب تاج‌الملک

وزیر و دخالت ترکان خاتون زوجه ملکشاه دانست.  
۱۵ - بقرار نوشته جامع‌التواریخ، گریه وفات ملکشاه را در بغداد

بماه شوال ۴۸۵ ه. دانسته، و نظام‌التواریخ ۴۷۱ ه. نوشته. ابن اثیر  
صفحه ۸۷ کتاب خود شب جمعه نصف شوال ۴۸۵ ه. و اخبارالدوله -

السلجوقیه، ۱۶ شوال ۴۸۵ ه. بمهر ۳۸ سال و ۳ ماه و ۱۷ روز و مدت  
۱۷ سال پادشاهی دانسته است. البته میتوان قول اخبارالدوله السلجوقیه

و ابن اثیر را تأیید و تصدیق کرد. مؤلف تجارب السلف فاصله مرگ  
ملکشاه و قتل خواجه را کمتر از یکماه تمام و صاحب تاریخ بیهقی کمتر

از چهل روز و عمادکاتب ۳۳ روز می‌شمارد. مؤلف تجارب السلف میگوید.  
«وفات سلطان بعد از وفات خواجه در نظر خلق جهان عظمی زیاد نداشت»  
صفحه ۲۸۱ همین کتاب.

۱۶ - بملت زیاد بودن ابیات این رثائیه، از ذکر کامل آن خودداری

گردید و فقط بذکر منتخبی از ابیات این مرثیه اکتفا شد. رجوع کنید  
به دیوان امیر معزی باهتمام عباس اقبال - ۱۳۱۸ شمسی.  
۱۷ - رجوع کنید به مقاله نگارنده تحت عنوان «خواجه نصیرالدین  
طوسی، دانشمند بزرگ ایرانی» در مجله وحید شماره ۱۰ - دیماه ۱۳۵۰.

خیر او باقیست وزیر او بود، و شیخ ابوسعید ابوالخیر و امام محمد غزالی در عهد او بودند و مدت ملك او بیست و شش سال بود.

سلاجقه در ایجاد و تأسیس استقلال و شناساندن نمایانند فرهنگ اصیل و عریق این کشور، کوششهای فراوان بعمل آوردند و آداب و تمدن ایرانی که بعلمت اهمال آل بویه منحصر به ایران شرقی شده بود و دانشمندان و شاعران ایران غربی اکثر اشعار و آثار خود را بعربی سروده و تدوین میکردند جای خود را بزبان فارسی داد. در این دوره حتی استعمال واژه‌های عربی انحصاراً در آثار دینی بچشم میخورد. در این عصر، تمدن و فرهنگ ایرانی بدرجه لطافت و ظرافت و شهرت خاص خود رسید. هنرهای مختلف ظریفه بمانند: نقاشی و معماری بیش از پیش ترقی حاصل کرد.

با روی کار آمدن آل سلجوق و توسعه قلمرو حکومت آنان و نشر مبانی فرهنگ و ادب پارسی در این عصر تمدنی به نام «تمدن سلاجقه ایران» که در طی تاریخ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ملت ما اهمیت بسزایی دارد جان گرفت و تا جاییکه با نفوذ فرهنگ و آداب و سنن ایرانی، دستهای از این خانواده، توانست نواحی وسیعی از بیزانس شرقی را تحت حاکمیت خویش درآورد، بدین ترتیب تمدن ایرانی در اقصی نقاط یونان و آسیای صغیر گسترش یافت و زبان فارسی، زبان رسمی دولت سلاجقه روم گردید.

آقای میرزا اسماعیل خان افشار حمیدالملک در مقدمه سلجوقنامه، تألیف خواجه امام ظهیرالدین نیشابوری<sup>۱۸</sup>، درباره تمدن ایرانی در عصر سلاجقه مینویسد:

«تمدن ایران که بعد از ظهور اسکندر از سواحل شرقی هلسپون و داردانل عقب‌نشینی اختیار کرده بود بعد از چندین قرن دوباره با این خاندان در صحراهای لیدی و فریژی با کمال استحکام ریشه دواند و در ظهور مغول مملکت سلاجقه روم پناهگاه امنی برای ایرانیان گردید. و آثار ادب و شعرا و علمای فارسی‌زبان این مملکت مانند حضرت مولانای رومی، ابن بی‌بی، قانع طوسی، صدرالدین قونبوی و صدها غیر آن بهیچوجه در زیبایی فصاحت و بلاغت از آثار ایرانیان معاصر خود نازلتر نیست. صنایع سلاجقه روم در تاریخ صنعت مقام بزرگی دارد و همان صنعت خالص ایرانیست که در تحت نفوذ صنایع بیزانس و سوریه شمالی بوجود آمده بالاخره یکی از علائم مشخصه این خانواده ذوق و دل‌باختگی و علاقه شدید بسیاری از افراد این خاندان است بشعر فارسی مانند طغرل آخرین پادشاه سلاجقه ایران و کیقباد از سلاجقه روم و غیره که اشعار آنها را از حیث زیبایی و بلاغت در ردیف اشعار اساتید میتوان قرار داد و بدیهی است که اطلاع از جزئیات تاریخ آل سلجوق و شعب آن در تاریخ ایران و سایر ممالک آسیای غربی اهمیت مخصوصی دارد.»

بطور کلی دوره سلجوقیان از جهت تعداد گویندگان و سرایندگان و نویسندگان، از درخشان‌ترین ادوار تاریخی و ادبی ایران بشمار میرود. سلاجقه، زبان فارسی را زبان رسمی و درباری قرار دادند. وزراء این دوره، خصوصاً عمیدالملک گندی و خواجه نظام‌الملک، فضل‌دوست و فرهنگ‌پرور و شاعر پرور بوده‌اند و از خدمت و عنایت نسبت به فضلا و ادبا دریغ نمی‌کردند و همواره خدمات شایان توجهی بترقی علوم و ادبیات کرده‌اند.

خواجه با پیروی از نیات عالیّه دانش‌پروری خود، به ساختن مدارس مهمی بنام «نظامیه» همت گماشت و بایجاد و گسترش چنین مدارس در شهرهای اصفهان، بلخ، مرو، نیشابور، بصره، موصل و بغداد کوشش فراوان کرد و در مدت سی سال وزارت خویش در دربار البارسلان و ملک‌شاه، دولت سلجوقی را با وجع عظمت و قدرت جهانی خود رساند، چنانکه میدانیم مدرسه و یا دانشگاه معروف بغداد که در سال ۴۵۷ هجری ساختمان آن شروع گردیده بود دو سال بعد یعنی بسال ۴۵۹ این مرکز بزرگ علمی با کتابخانه و مسجد و کلاس درس و استاد و با اوقاف فراوان رسماً کار خود را آغاز کرد و پس از افتتاح این دانشگاه، خواجه از ابواسحق شیرازی (کازرونی) که از دانشمندان و پارسیان بزرگ عصر بود درخواست کرد، ریاست این دانشگاه بزرگ اسلامی را بپذیرد، ابتدا امام نپذیرفت و بعنوان اینکه اکثر مصالح آن مدرسه غصب است در آن نماز نخواند و بعدها هم که ریاست آنرا قبول کرد همواره بغصب بودن مصالح آن اشاره میکرد و با وجود احترام زیادی که خواجه نظام‌الملک در حق وی قائل بود ولی وی همواره در مجالس و محافل، ضمن گفتار خود با گستاخی و بی‌پروایی هر چه تمامتر از مظالم او و عمالش شکایت و انتقاد مینمود.

علوم که در این قرن و قرن پنجم در مدارس تدریس میشد، بیشتر عبارت بود از فقه، اصول، حدیث، علم کلام، تفسیر و ادبیات عرب. ولی تعلیم فلسفه و شناخت اندیشه فلاسفه بزرگ ایرانی و یونانی و فلسفه قدیم و تحقیق درباره آراء فلاسفه بمانند قرن چهارم نبود چنانکه میدانیم در همین قرن بعضی از فتهاء و علماء مذهبی حتی آموختن فلسفه را حرام و ممنوع اعلام کردند و بنحو بارز فلاسفه را تکفیر نمودند و علمای بزرگی در این عصر نظیر عین‌التضاه همدانی (مقتول بسال ۵۲۵) و شیخ شهاب‌الدین سهروردی (مقتول بسال ۵۸۷) باتهام بدبینی و بجرم آزادی اندیشه و توجه بآراء فلاسفه کشته شدند. در این دوره طبقه روحانیون و علماء اهمیت خاصی داشتند، سلاطین سلجوقی و عموم مردم عصر نسبت باین طبقه عقیده و ارادت ویژه‌ای داشتند.

زهّاد و علماء دسایر بلاد و ترد دیگر وزراء و سلاطین از محبوبیت و احترام فوق‌العاده برخوردار بودند چنانکه در

مجالس وعظ ودرس آنان، جمعیت بسیار انبوهی ازدوستاناران و مشتاقان جمع می‌آمدند.

سلاطین سلجوقی، بعلما و روحانیون نهایت احترام را قائل بودند چنانکه ظهیری نیشابوری درباره سلطان سنجر می‌گوید<sup>۱۹</sup>:

« خطه خراسان در عهد او مقصد جهانیان و منشاء علوم و منبع فضائل و معدن فرهنگ و هنر، علما و حکما را بغایت احترام و قیام نمودی و یا ابدال و ذهات و عباد نفسی و مؤانستی تمام داشتی و بایشان خلوتها و جمعیتها کردی. »

دوره سلاجقه دوره عظمت و شکوه و دوره ترقی تمدن و فرهنگ اسلامی بشمار می‌رود، گذشته از تعصب و علاقهایکه شاهان این سلسله و سلاله‌های هم‌عصر آنان در حفظ مبانی و اصول عقاید اسلامی داشته‌اند تأسیس مدارس نظامیه و نظایر آن چنانکه گذشت اسباب عمده رواج تمدن اسلامی در آن عصر درخشان بشمار می‌رود. خاصه ظهور کسانی بمانند: امام فخر رازی، امام محمد غزالی، ابوالفرج بن جوزی، شیخ شهاب‌الدین سهروردی، امام الحرمین جوینی و امثال آنان نیز در این عصر تا حد زیادی در نشر و بسط معارف اسلامی مؤثر واقع شد. زبان و ادبیات فارسی نیز در این دوره ترقی و توسعه بسیاریافت اکثر پادشاهان این دوره با وجود آنکه ترک‌زبان بودند، در بسط و نشر فرهنگ و تمدن ایرانی و شعر و آثار ادبی فارسی و تشویق و ترغیب شعرا و نویسندگان و فضلاء فارسی‌زبان کوشش فراوان کردند و عده‌ی از شعرای این عصر مثل امیرالشعرا معزی و انوری و خاقانی و نظامی در شمار استادان و پیش‌کسوتان بزرگ شعر و ادب فارسی قرار گرفتند و سخنسرایان و نویسندگان دیگریکه در این عصر از حمایت و عنایت شاهان و وزراء سلجوقی برخوردار بوده‌اند عبارتند از: ابوالفضل بیهقی، شیخ عبدالله انصاری، اسدی طوسی، حکیم ناصر خسرو، عمر خیام، سنایی، جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی و دیگران.

از پادشاهان این دوره بعضی خود شعر می‌سرودند، چنانکه ملکشاه سلجوقی، هم اشعار فارسی حفظ داشت و هم خود بفارسی شعر میگفت و همچنین طغرل سوم، آخرین پادشاه این سلسله، شاعر بوده است و اشعاری از او روایت شده است.

ذوق و علاقهایکه پادشاهان این دوره به شعر فارسی داشته‌اند و علی‌الخصوص که محشمان و داعیان نیز خود بتقلید از سلاطین و خواه باقتضای ذوق خویش از تشویق شعرا خودداری نمی‌کردند و بهمین جهت است که شعر فارسی در این دوره در طریق تکامل و تحول قدمی می‌نهد و با ظهور گویندگان بزرگ که ذکر آنان شد باوج لطف و کمال می‌رسد. سلطان سنجر از جمله پادشاهانی است که توجه کافی و وافی به شعر و ادب فارسی داشت و بهمین مناسبت دو شاعر این دوره یعنی امیرالشعرا معزی و انوری طی قصائد خود او را مدح و ستایش کرده‌اند و حتی شعرائی نظیر

عبدالواسع جبلی و کمال‌الدین بخارانی و حکیم سنایی، سلطان سنجر را پیوسته در اشعار خود ستوده‌اند.

درست است که در این عصر، زبان و ادب فارسی رواج پیدا کرد و نویسندگان و گویندگانی به تألیف و تصنیف آثار بمانند کتاب‌الابنیه عن حقایق الادویه در داروشناسی و مفردات دارو و ناصر خسرو علوی، زادالمسافرین را در حکمت نظری و امام محمد غزالی کیمیای سعادت را در حکمت عملی به فارسی نوشتند ولی دانشمندان بزرگ دیگر مثل: زمخشری و زوزنی و شهرستانی کتب فراوانی به زبان عربی که در واقع زبان علمی و مذهبی بشمار میرفت تألیف کردند.

در این دوره برخلاف شاعری، بیشتر نویسندگان بااستثنای چند تن محدود، اساس کار خود را بر استعمال کلمات و ترکیبات مشکل و مغلق قرار داده، اشعار عربی و فارسی در آثار خود داخل کردند و امثال و آیات فراوان در آنها قرار دادند و کتابهایی بمانند کلیله و دمنه ابوالمعالی و چهارمقاله نظامی عروضی و ترجمه تاریخ یمنی و تاریخ بیهقی ابن‌فندوق و کتاب مرزبان‌نامه را بر همین شیوه و اسلوب تألیف و تصنیف کردند. سلاطین سلجوقی در واقع از حامیان بزرگ هنر و صنعت و هنرمندان و صاحبان پیشه و حرفه بشمار می‌روند، و در نتیجه فعالیت‌های گوناگون تجاری و هنری و علاقهایکه خاندان این سلسله به هنرهای ظریفه داشتند، هنرمندان بزرگ و استادکاران عالیقدری بظهور رسیدند. در زمان پادشاهی خاندان سلجوق، اصفهان، مرو، نیشابور، هرات و ری، مرکز و مجمع صاحبان هنر و پیشه بوده است که امروزه، خوشبختانه بسیاری از آثار این هنرمندان در موزه‌های داخلی و خارجی دیده میشود. شاهکارهای هنری این هنرمندان از بافندگی، فلزکاری، سفال‌سازی (سرامیک)، مینیاتور، تذهیب و خطاطی است و بهمین دلیل دوره سلجوقیان از لحاظ سبک و شیوه کارهای هنری در تاریخ هنر ایران و بخصوص تکامل و پیشرفت کارهای هنری و ذوقی به شیوه سلجوقی مشهور و معروف گردیده‌است. دانشمند بزرگ گریستی ویلسون می‌نویسد: « در این عصر، صنایع و معماری نه تنها در ایران تجدید حیات یافت بلکه با فتوحات سلاجقه، اصول و اسلوب صنایع ایران را تا سواحل مدیترانه و حتی تا شمال آفریقا بسط و گسترش داد. و بهمین دلیل و کیفیت است که آثار و نمونه‌های شیوه کار هنرمندان ایرانی و صنایع رایج عصر سلجوقی تا قرن‌ها در صنایع مصر و سوریه دیده می‌شد»<sup>۲۰</sup>.

۱۸ - صفحه ۳، این کتاب با ذیل سلجوقنامه، تألیف ابوحماد محمدبن ابراهیم در سنه ۵۹۹ تألیف شده است.  
۱۹ - سلجوقنامه ظهیری صفحه ۴۵ و راحة‌الصدور راوندی صفحه ۱۷۱  
۲۰ - تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، صفحه ۱۴۳

تربیتی، در این دوره رواج پیدا کرد چنانکه میدانیم شعرای بزرگ و معروف این عصر مثل: حکیم سنائی، مهستی گنجوی و دیگران، اشعار جالب و قابل توجهی دربارهٔ بزاز و نساج و خیاط و کلاهدوز گفته‌اند منبأب مثال، مهستی گنجوی گوید:

ای رشته چو قصد لعل کانی کردی  
با مرکب باد هم عنانی کردی  
درسوزن او عمر تو کوتاه چراست  
نه غسل بآب زندگانی کردی  
یا دربارهٔ بزاز می گوید:  
شهری زن و مرد در رخت می‌نگرند  
در سوز غم عشق تو جان در خطرند  
هرجامه که سالی پدیرت می‌فروشد  
از دست تو عاشقان بزودی بدرند  
\*\*\*

در عهد ملکشاه سلجوقی، هنر موسیقی پیشرفت زیادی حاصل کرد، ابوالمعالی جوینی ملقب به امام الحرمین در نواختن چنگ و طبل مهارتی تمام داشت چون ملکشاه برای چنگ با قیصر روم به مرز قسطنطنیه رفته بود در آنجا، در نواختن ارغون و طبل بین چندتن از رومیان و امام الحرمین مسابقه در گرفت. ارغونی که بوسیلهٔ چندتن رومی نواخته می‌شد امام الحرمین

به تنهایی آنرا ماهرانه نواخت و قیصر روم شگفت و تعجب نمود و خراج قسطنطنیه را تقبل کرد.

همین قدر قابل تذکر است که در این دوره درخشان و شکوفان، هنر معماری بدرجهٔ کمال رسید و هنرمندان و معماران چیره‌دست، آثار فراوانی در شهرهای اصفهان، اردستان، زواره، گلپایگان و برسیان بوجود آوردند که میتوان از جمله آنها، گنبد نظام‌الملک و گنبد تاج‌الملک و آثار دیگری را نام برد و حتی مناره‌های بزرگ تاریخی و با اهمیت نظیر منارهٔ زیار، منارهٔ ساریان، منارهٔ چهل‌دختران و منارهٔ مسجدعلی از کارهای هنری معماران این دوره است.

از هنرمندان بزرگ خط و کتابت میتوان ابوالمعالی نحاس اصفهانی را که مدتهای زیاد در خدمت سلاطین سلجوقی بخصوص در عهد محمد بن ارسلان (۴۵۵ - ۴۶۵) و جلال‌الدین ابوالفتح حسن ملکشاه (۴۶۵ - ۴۸۵) و غیاث‌الدین ابوشجاع محمد (۴۹۸ - ۵۱۱) بکار خطاطی و هنرنمایی مشغول بود نام برد و چون مقام او برخلیفهٔ وقت عباسی، المستنصر (۴۸۷ - ۵۱۲) معلوم و مدلل گردید او را بحضور خود طلبید و فوق‌العاده ویرا مورد اکرام و احترام خویش قرار داد و تا جاییکه بدرجات بزرگ کشوری نائل آمد و بمسند وزارت و صدارت تکیه زد و با وجود مشاغل و مسئولیتهای مهم مملکتی، دقیقه‌یی از نوشتن و کتابت قطعات والواح نمی‌آسود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز جامع علوم انسانی

